

(مقاله پژوهشی)

تحلیل استراتژیک از راهبردهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی مطالعه موردی: محلات انصار و اروند در شهرک شهید رجایی مشهد

قدیر صیامی^۱، ملیحه ستاری‌وند^۲

چکیده

توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، هم‌تابه هدف غایی برنامه‌های رفاه و مددکاری اجتماعی، رویکردی نوین است که بر دو رکن مهم «توسعه توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در معیشت پایدار برای خود و افراد تحت تکفلشان» و نیز «ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی آن‌ها در مدیریت خانواده» استوار است و اجرای آن نیازمند به‌کارگیری راهبردها و سیاست‌های هوشمندانه و متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. از این‌رو، هدف این پژوهش، سنجش راهبردهای توانمندسازی برای قریب به ۲ هزار ۵۶۰ زن سرپرست خانوار در دو محله اروند و انصار واقع در یکی از سکونت‌گاه‌های پرجمعیت غیررسمی شهر مشهد، یعنی شهرک شهید رجایی، است. روش پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در روش میدانی، مصاحبه با ۱۴ مدیر مرتبط با حوزه اشتغال بانوان و نیز توزیع پرسش‌نامه بود. جامعه آماری (N) برابر با مجموع تعداد زنان سرپرست خانوار در دو محله انصار و اروند (۲ هزار و ۵۶۰ نفر) و حجم نمونه (n) با استفاده از فرمول کوکران با مقدار خطای ۰/۰۵ درصد معادل ۳۳۴ نفر برآورد شد که به صورت تصادفی منظم میان زنان سرپرست خانوار توزیع شده است. شیوه تجزیه و تحلیل براساس روش تحلیل استراتژیک کمی (QSPM) بوده است. نتیجه این پژوهش گویای این امر است که از میان راهبردهای متنوع در توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار در محلات انصار و اروند، «گسترش کارگاه‌های کسب‌وکار زنان» (با ضریب جذابیت ۶/۶۵)، ارتقاء انسجام اجتماعی و شبکه روابط بانوان (با ضریب جذابیت ۶/۴۸) و جذب سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات (با ضریب جذابیت ۶/۲۹) و حمایت از خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار (با ضریب جذابیت ۶/۱۷) بیش از دیگر استراتژی‌ها می‌تواند به توانمندسازی مؤثرتر زنان سرپرستان خانوار و قدرت‌یابی آن‌ها در تأمین معیشت پایدار و مدیریت مناسب‌تر خانواده‌های آنان کمک کند.

کلیدواژگان

توانمندسازی، زنان سرپرست خانوار، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مشهد.

۱. استادیار، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، مشهد (نویسنده مسئول)
q.siaami@gmail.com

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضاع، مشهد
msattari1988@yahoo.com تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۸

مقدمه

براساس مطالعات انجام‌شده از سوی نهادهای جهانی فعالی در خصوص نوع اسکان بشر، نزدیک به یک میلیارد نفر از جمعیت کره زمین در حومه شهرها زندگی می‌کنند و به‌صورت غیررسمی اسکان یافته‌اند. در نتیجه، با توجه به اینکه امروزه نزدیک به ۵۰ درصد از جمعیت کل جهان در شهرها سکونت دارند، شهرنشینی به عرصه‌ای از گونه‌های مختلف تناقضات و اختلافات اجتماعی و اقتصادی بدل گشته است (غلامی، سیفی کفشگری و شهبازی ۱۳۹۲)، که خود دلیلی بر وضعیت نامناسب زندگی در حومه شهرها و پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است. کلان‌شهر مشهد نیز در دهه‌های اخیر با مشکلات ناشی از اسکان غیررسمی روبه‌روست. به‌صورتی که مساحتی بالغ بر ۳۸۴۰ هکتار و یک‌سوم جمعیت شهر مشهد را شامل می‌شود. (ستاری‌وند ۱۳۹۹).

در این میان، گرچه به نظر می‌رسد همه گروه‌های انسانی در این نوع از اسکان در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی و فقر چندوجهی به سر می‌برند، بنا بر تحقیقات انجام‌شده، عوارض و آسیب‌های ناشی از اسکان غیررسمی بیشتر متوجه کودکان و زنان است (UN-Habitat 2003). امروزه تعداد زنان سرپرست خانوار به دلایل مختلف در حال افزایش است. بیشتر این خانوارها مشکلات فراوانی دارند؛ به‌گونه‌ای که فزونی این گروه به‌صورت آسیبی اجتماعی شناخته می‌شود (ستاری‌وند ۱۳۹۹). عوامل بسیاری مانند نابرابری در حقوق شهروندی، نابرابری در قابلیت‌ها در نتیجه نابرابری در فرصت‌ها و پیامدهای نابرابر سیاست‌های تعدیل ساختاری به‌عنوان متغیرهای مؤثر در وضعیت کنونی زنان مطرح شده است. (جهان‌بین، بابایی‌اقدام، روستایی و همکاران ۱۳۹۹).

از طرف دیگر، با وجود مشکلات متعدد برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مسائلی در زمینه‌های مختلف کالبدی، اقتصادی و اجتماعی و...، موضوع احیا و بازسازی بافت‌های شهری مورد توجه قرار گرفت (امیری و کمالی ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر، رویکرد نوینی در راستای نوسازی و بهسازی بافت‌های شهری با عنوان توانمندسازی مطرح شد. توانمندسازی نوعی نگرش به پدیده حاشیه‌نشینی است. دولت‌ها طی آن می‌کوشند به‌جای نگرش مقابله و تخریب، محیطی توانمند بیافرینند که تحت برخی شرایط، مردم ساکن در محلات با استفاده از منابع و ظرفیت‌های خود بتوانند راه‌حل‌هایی محلی برای مشکلات خویش بیابند (آتشین‌صدف ۱۳۹۴). این درحالی است که در راهبرد توانمندسازی، زنان بخشی از توسعه‌اند و نه صرفاً گروه‌های برخوردار از مواهب توسعه (جهان‌بین، بابایی‌اقدام، روستایی و همکاران ۱۳۹۹). به دنبال این رقابت‌ها، مدیریت شهری، در حال تغییرات اساسی در حوزه حاکمیتی و مدیریتی خود بوده و تلاش می‌کند از طریق خلق یک شهر سرمایه‌محور، کارآفرینی در فعالیت‌های اقتصادی، خلاقیت و بهره‌آوری را در شبکه‌های کسب‌وکار شهری ارتقا دهد (Sriram, Mersha, Herron 2007). بنابراین، استفاده از رویکرد توانمندسازی و

کارآفرینی تا حد زیادی می‌تواند در ساماندهی شرایط اقتصادی و اشتغال و ارتقای درآمدزایی زنان سرپرست خانوار در محلات و مناطق اسکان غیررسمی تأثیرگذار باشد. این مناطق در کنار دارای بودن بافت‌های فرسوده و ناکارآمد از منظر کالبد، مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز دارند که کم‌اهمیت‌تر از کالبد نیست، زیرا معضلات اجتماعی و اقتصادی بی‌شماری را به دنبال خواهد داشت. شهرک شهید رجایی نیز از جمله بافت‌های اسکان غیررسمی در شهر مشهد است و حدود ۱۷ درصد جمعیت سرپرستان خانوار آن را زنان تشکیل می‌دهند. زنان در این محله عهده‌دار سرپرستی بیش از ۸ هزار نفر هستند (دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات ۱۳۹۴). سهم بسیار کمی از زنان سرپرست خانوار در محلات اروند و انصار در این محدوده از آموزش‌های حرفه‌ای بهره‌مند شده‌اند و بسیاری نیز در وضعیت ناپایداری اقتصادی و شغلی قرار گرفته‌اند. بنابراین، هدف این پژوهش تحلیل استراتژیک از راهبردهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار محلات انصار و اروند در شهرک شهید رجایی مشهد با تأکید بر کارآفرینی است.

بیان مسئله

حاشیه‌نشینی، که همگام با رشد شتابان شهرنشینی و مهاجرت جمعیت عظیمی به شهرها به وجود آمده است، سبب شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی و خودرو شده و فاقد استانداردهای لازم است و معضلات متفاوتی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی را ایجاد کرده است (سرگلزایی جوان و هادیانی ۱۳۹۵). زنان با زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی تجربه‌ای متفاوت از تبعیض و محرومیت را می‌چشند، زیرا آنان عهده‌دار فعالیت‌هایی هستند که به کسب درآمد ملموس منجر نمی‌شود و همین امر سبب می‌شود تا آنان موقعیت اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری پیدا کنند و دسترسی و مالکیتشان بر منابع محدود شود.

در حقیقت، تحول در شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت تأثیری بسزا در حل این مشکلات خواهد داشت. به منظور حل این مشکل، رویکرد توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. ایده توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی هم‌ناجی آنان در شرایط کنونی است هم‌زمینه‌ساز مشارکت آتی‌شان برای ساماندهی این نوع از سکونت‌گاه‌هاست (دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات ۱۳۹۴). به موازات توسعه رویکردهای مختلف توانمندسازی در حل این مسئله، موضوع سرمایه‌های بومی در مدیریت شهری مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است؛ چنان‌که در راستای حل معضلات اقتصادی و اشتغال‌زایی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی تأکید بر کارآفرینی به‌منزله شیوه‌ای نوین و مبتنی بر بالقوگی‌ها و سرمایه‌های محلی مطرح شد (ستاری‌وند ۱۳۹۹).

از جمله بافت‌های اسکان غیررسمی مسئله‌دار در مشهد می‌توان به شهرک شهید رجایی

واقع در ورودی شرقی شهر اشاره کرد. بخشی از ساکنان شهرک شهید رجایی به علت ارزانی زمین و خرید آن یا بالابودن اجاره‌بها در سایر نقاط شهر به این محدوده نقل مکان کرده‌اند. در این میان، درصد بالایی از ساکنان نیز به دلیل موقعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان، قیمت مناسب زمین و مسکن و نیز قرار گرفتن محدوده در بخش ورودی و خروجی شهر مشهد از شهرهای دیگر به این شهرک مهاجرت کرده‌اند.

در شهرک شهید رجایی ۸۳/۲ درصد سرپرستان خانوار را مردان و ۱۶/۸ درصد از سرپرستان خانوار را زنان تشکیل می‌دهند؛ که درصد درخور توجهی را شامل می‌شود. همچنین، با توجه به متوسط بعد خانوار در این محله، که ۴/۸۳ نفر است، می‌توان بیان کرد که زنان در این محله عهده‌دار سرپرستی بیش از ۸ هزار نفر هستند (دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات ۱۳۹۴)؛ لیکن نباید نقش زنان سرپرست خانوار را نادیده گرفت. از این رو، در بحث توانمندسازی اقتصادی توجه جدی به این گروه امری ضروری است و همکاری نهادهای مدیریت شهری با نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد و بهزیستی برای رسیدگی به توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار بسیار حائز اهمیت است.

نتایج حاصل از بررسی‌های انجام‌شده از سوی شورای اجتماعی محلات انصار و اروند نشان می‌دهد که فقط ۱۸/۹ درصد از اهالی شهرک رجایی در دوره‌های فنی و حرفه‌ای آموزش دیده‌اند و در حرفه خاصی مهارت دارند و بیش از ۸۱/۱ درصد از سرپرستان خانوار در شهرک رجایی (به‌ویژه زنان سرپرست خانوار) نیز عنوان کرده‌اند که در چنین دوره‌هایی شرکت نکرده‌اند؛ که می‌توان نتیجه گرفت درصد بالایی از این افراد فاقد مهارت حرفه‌ای و تخصصی هستند. به عبارتی، این افراد تنها توانایی اشتغال به کار در مشاغل ساده و کارگری را دارند و می‌توان یکی از دلایل مهم پایین بودن سطح توان اقتصادی خانوارهای ساکن در محله را ناشی از همین مسئله دانست. شایان ذکر است که این موضوع در زنان سرپرست خانوار نمود بیشتری داشته و این افراد نسبت به مردان کمتر تخصص حرفه‌ای دارند. همچنین، آگاهی ناکافی زنان از قوانین و مقررات مرتبط با مشاغل و حرفه‌های تخصصی را می‌توان به‌منزله یکی دیگر از مسائل مرتبط در این محلات عنوان کرد. از این رو، با توجه به پرسش «چگونه می‌توان با استفاده از راهبردهای توانمندسازی و کارآفرینی به بهبود وضعیت زنان سرپرست خانوار محلات اروند و انصار شهرک شهید رجایی مشهد دست یافت؟» به‌عنوان سؤال اصلی و همچنین «مفاهیم و اصول توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر کارآفرینی کدام‌اند؟» و «چه راهکارها و استراتژی‌های مؤثری جهت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار محلات اروند و انصار شهرک شهید رجایی مشهد با تأکید بر کارآفرینی در اولویت‌اند؟» به‌عنوان سؤالات فرعی در این پژوهش سعی شده با تأکید بر توانمندسازی و کارآفرینی به بهسازی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای زنان سرپرست خانوار در زمینه رشد اشتغال‌زایی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی توانمندسازی زنان

توانمندسازی نوعی نگرش جدید به پدیده‌ی اسکان غیررسمی است. اسکان‌های غیررسمی به سکونت‌گاه‌هایی اطلاق می‌شود که در داخل یا حومه‌ی شهرها واقع شده‌اند و غالباً همراه با کالبدی غیراستاندارد و بی‌نظم و سازه‌های کم‌دوام و بدون مجوز رسمی ساخت به‌صورت خودبه‌خودی شکل گرفته‌اند. اکثریت ساکنان این گونه بافت‌ها را اقشار کم‌درآمد و فعال در اقتصاد غیررسمی شهر و مشاغل غیررسمی تشکیل می‌دهند (سلامی و امیری ۱۳۹۵).

از ویژگی‌های اجتماعی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، بالابودن نسبت بالای زنان سرپرست خانواده در این مناطق است. چالشی که مبنای بروز معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگر در چنین جوامعی است و لذا دولت‌ها از طریق به‌کارگیری رویکردهای توانمندسازی، به‌ویژه از طریق کارآفرینی، می‌کوشند به‌جای نگرش مقابله و تخریب، محیطی توانمند بیافرینند که تحت برخی شرایط، مردم ساکن در محلات [به‌ویژه زنان سرپرست خانوار] با استفاده از منابع و ظرفیت‌های خود بتوانند راه‌حل‌هایی محلی برای مشکلات خویش بیابند. توانمندسازی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر عواملی چون ایجاد کمک‌ها و صندوق‌های مالی، ارتقای روحیه‌ی مشارکت، بسترسازی برای اقدامات اقتصادی و بهره‌گیری از نیروی کار بانوان تأکید دارد (آتشین صدف ۱۳۹۴). به گفته‌ی کانتر (۱۹۸۳) توانمندسازی القای حس قدرت به افراد است؛ زیرا هر روش مدیریتی که بتواند حس استقلال افراد را تقویت کند، به احساس قدرت در آن‌ها می‌انجامد. توانمندی از دیدگاه کاونتس (۲۰۰۱) به معنای حل مسائل و مشکلات اجتماعی است. مشکلاتی از قبیل فقر، بیکاری، نژادپرستی، جنسیت‌گرایی، آوارگی، اعتیاد به مواد مخدر، خشونت و... اسکندری (۱۳۹۴) نیز توانمندسازی را از نظر لغوی، قادر ساختن افراد برای انجام دادن کار تعریف می‌کند، ولی در تعریف اصطلاحی، توانمندسازی را فرایند تقویت احساس خوداثربخشی می‌داند (Burgess, Carmona, Kolstee 1997b).

زنان سرپرست خانوار بانوانی را شامل می‌شوند که بر اثر شرایط مختلف همچون جدایی، اعتیاد همسر، ازکارافتادگی همسر، همسر مهاجر و دیگر شرایط این‌چنینی مسئولیت و سرپرستی خانواده به دوش آن‌ها افتاده است. این افراد همچنین عبارت‌اند از: زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند یا به‌خانه‌ی پدری بازگشته، ولی خود امرار معاش می‌کنند)، زنان مردان معتاد، زنان مردان زندانی، زنان مردان بیکار، زنان مردان مهاجر، زنان مردانی که در نظام‌وظیفه مشغول خدمت‌اند، بسیاری از زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی‌سرپرست که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران مردان سالمند (قدیر ۱۳۸۰).

از مسائلی که زنان سرپرست خانوار با آن روبه‌رو هستند، می‌توان به تهی‌دستی، عدم اشتغال، تنهایی، اضطراب از زندگی آینده نامعلوم، کمبود پشتیبانی اقتصادی و اجتماعی از

سوی دولت، محدودیت بیمه و... اشاره کرد. اکثریت زنان سرپرست خانوار خانه‌دارند و به این ترتیب کمک‌های مالی سازمان‌های حمایتی پاسخگوی احتیاجات زندگی آن‌ها نیست. شایان ذکر است بیش از نیمی از این‌گونه خانواده‌ها به‌عنوان تهی‌دست‌ترین افراد جامعه شناخته می‌شوند. (فرچ‌پور، دودانگی و سلطانزاده ۱۳۹۴).

توانمندسازی و کارآفرینی زنان

واژه کارآفرینی، مترادف کلمه فرانسوی *entrepreneur* و واژه آلمانی *unternehmen* است که به معنای متحدشدن است (Cunningham, Lischeron 1991). بوتکه و آرادئون کارآفرینی را ایجاد ارزش از طریق فراهم آوردن ترکیب منحصربه‌فردی از منابع برای بهره‌برداری از یک فرصت می‌داند. علاوه بر این، بعضی از نظریه‌پردازان نیز کارآفرینی را خلق ایده‌ای ارزشمند از هیچ می‌دانند. به عبارتی، آن‌ها کارآفرینی را روند خلق و دستیابی به فرصت‌ها و قابلیت‌ها و تعقیب آن‌ها بدون توجه به منابع موجود می‌دانند. همچنین، به بیان برخی دیگر، کارآفرینی شامل: خلق و توزیع ارزش‌ها و منافع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه است. (Timmons, 1986) در ایران، واژه کارآفرینی، با ایجاد شغل و کسب‌وکار مترادف شده است؛ در حالی که اشتغال یکی از تأثیرات کارآفرینی است و ممکن است فعالیت‌های کارآفرینانه اشتغال‌زایی نکنند و به تولید ثروت پردازند یا به دانایی افراد بیفزایند (صمدآقایی ۱۳۸۰). به گفته جونز، کارآفرینی شهری به تعبیری از مفهوم کارآفرینی یا در برخی موارد مرتبط با کسب‌وکارهای خرد نسبت داده شده است که غالباً در نواحی با شرایط افول اقتصادی اجرایی می‌شود (Jones 2007). تامپسون نیز با اشاره به فقدان تعریفی جامع از کارآفرینی شهری، کاربرد آن را در مفاهیمی نظیر ارائه خدمات و ایجاد مشاغل خرد در مناطق با شرایط نامناسب اقتصادی مطرح می‌کند (Thompson 2012).

از عناصر تأثیرگذار در توانمندسازی زنان می‌توان به مواردی چون عدم احساس شرمندگی و خجالت، خودباوری و یقین، توانایی شناخت حقیقی خود، آگاهی به توانایی‌ها و ضعف‌های خود، مقاومت در مواجهه با مشکلات، شناسایی اهداف و اعتمادبه‌نفس به توانایی خود اشاره کرد. سارا لانگه نیز برابری میان زنان و مردان را در برقراری تعادل و برابری در موضوعات کلی رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌داند (فرچ‌پور، دودانگی و سلطانزاده ۱۳۹۴). نکته مهم این است که فعالیت‌های کارآفرینی زنان (به‌ویژه در سکونت‌گاه‌های غیررسمی) علاوه بر اینکه زمینه‌های کاهش فقر را فراهم کرده، از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی، افزایش آگاهی، ظرفیت‌سازی، احساس پیشرفت، بهبود توان حل مسئله در مسائل مرتبط با زنان و اجتماع، آنان را توانمند می‌کند تا در جامعه مشارکت بیشتری داشته باشند. آنچه طبیعت کارآفرینی خرد در وضعیت کنونی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد، این است که

کسب‌وکارهای خرد به‌عنوان یک استراتژی کاهش فقر استفاده می‌شوند. چالش‌های مختلفی پیش روی زنان سرپرست خانوار جهت ورود و ماندن در عرصه کارآفرینی وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها دسترسی‌نداشتن به منابع مالی و اعتبارات و فقدان دانش بازار است که با عدم پذیرش اجتماعی و عدم تعادل بین کارهای خانواده و کسب‌وکار مرتبط است (فلاح حقیقی ۱۳۹۴). به‌صورت کلی، عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی را می‌توان در شکل ۱ خلاصه کرد:



شکل ۱. چارچوب مفهومی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی

پیشینه

از جمله تحقیقات متمرکز بر موضوع توانمندسازی می‌توان بر پژوهش بیدالف^۱ (۲۰۱۱) با عنوان «طراحی شهری، بازآفرینی و شهر کارآفرین» اشاره کرد که به ارزیابی تفصیلی تأثیر حکمروایی کارآفرین به‌عنوان عنصر اصلی در فرایندهای بازآفرینی شهری در کشور انگلیس و شهر لیورپول از دهه ۱۹۹۰ تاکنون پرداخته و در این زمینه، ارائه دستور کار طراحی شهری را مدنظر قرار داده است. متغیرهای طراحی شهری مورد نظر او شامل: هویت، تمایز بین عرصه‌های خصوصی و عمومی، کیفیت قلمروی عمومی، دسترس‌پذیری، تصویر ذهنی مطلوب، انعطاف‌پذیری و تنوع است که آن‌ها را در ساختار، دانه‌بندی، چشم‌انداز، تراکم و ارتفاع به‌عنوان ابعاد توسعه شهری مدنظر قرار داده است. درنهایت، بعد از مطالعه موردی، با بررسی سه وجه معنا، دال و مدلول، به بررسی اینکه چگونه اشکال مختلف توسعه با دستور کار طراحی شهری، به بازآفرینی در شهر کارآفرین منجر می‌شوند پرداخته است. نتایج یافته‌های او پس از بررسی

1. Biddulph

فرایندهای بازآفرینی شهری، حاکی از آن بودند که جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد شغل، کارآفرینی و طراحی شهری در طول هم قرار دارند و هم‌زمان باید باهم مورد توجه قرار گیرند (Biddulph 2011). همچنین سریرام و همکارانش^۱ (۲۰۰۷) با استفاده از تحقیقات صورت‌گرفته در زمینه رفتارهای کارآفرینی اقلیت‌ها در کشورهای اروپایی و ایالت متحده و روش دستیابی آن‌ها به هدف خود، به مطالعه ریشه‌های کارآفرینی شهری، به‌ویژه در میان اقلیت‌های امریکایی-افریقای تبار، پرداختند که در نتیجه چارچوبی جامع را بیان کردند. نتایج تحقیق گویای این امر است که انگیزه و امید و مهارت و حرفه‌های شخصی منشأ این رفتارهای کارآفرینی است. همچنین، با در نظر گرفتن عوامل دیگری در سایر فرهنگ‌ها، میزان دسترسی به منابع را عامل مهمی در ایجاد رفتارهای متوازن کارآفرینانه می‌دانستند (Sriram, Mersha, Herron 2007).

لی^۲ (۲۰۱۶) به مطالعه آثار کارآفرینی و مشاغل خرد شهری به‌عنوان عنصر کلیدی رشد و توسعه اقتصادی پرداخت. او با بهره‌گیری از اطلاعات آماری و تجزیه و تحلیل آن‌ها دریافت که تقویت ۱۰ درصدی مشاغل خرد موجب افزایش نرخ اشتغال شده و به‌تبع آن دستمزدها و حقوق‌های سالیانه نیز به ترتیب ۲ درصد و ۴ درصد افزایش پیدا می‌کند. شایان ذکر است که مدت‌زمان این رشد و پیشرفت اقتصادی را ۱۰ سال در نظر گرفته است (Lee 2016).

بوسما و استرنبرگ^۳ (۲۰۱۴) با بهره‌گیری از داده‌های ۲۳ شهر اروپایی دریافتند که برتری و منفعت کارآفرینی شهرهای بزرگ بسیار بالاتر از دیگر نواحی بوده و در کارآفرینی فرصت محور تأثیر بسزایی خواهد داشت. به‌صورتی که فراوانی زیاد بیکاری جوامع، کارآفرینی اجباری آن‌ها را تقویت می‌کند. براساس نتایج این پژوهش، مهارت و تنوع عرصه‌های شهری در زمینه‌های اقتصاد خرد و شهرسازی، از شاخص‌های تأثیرگذار در کارآفرینی هستند (Bosma, Sternberg 2014).

باین لونت و همکارانش^۴ (۲۰۰۳) به دنبال بررسی پدیده کارآفرینی قومی زنان در زندگی شهری بر نگرش‌ها و رفتارهای زنان کارآفرین ترک‌تبار آمستردام تمرکز کردند. نتایج این مقاله نشان دادند که زنان ترک‌تبار آمستردام مشخصات خاصی دارند که آنان را به کارآفرینانی ویژه تبدیل کرده و آن‌ها با توجه به ترکیب مشخصات خاص خود با فرصت‌های قوم محور و دیگر فرصت‌های موجود در بازارهای شهری، به ارائه خدمات متنوع متناسب با گروه‌های هدف خویش می‌پردازند و از این رو موفق عمل می‌کنند که باعث کاهش محرومیت‌های گروه‌های قومی و ارتقای استانداردهای زندگی این گروه‌ها شده و به‌عنوان الگویی برای سایر زنان قلمداد می‌شود که به کارآفرین شدن سایر زنان نیز منجر می‌شوند. در این تحقیق، زنان کارآفرین ترک،

1. Sriram, Mersha & Herron

2. Lee

3. Bosma, N., & Sternberg

4. Baycan Levent, Masurel & Nijkamp

مهم‌ترین عامل موفقیت خود را بلندپروازی و اعتماد به نفسشان بیان کردند و بعد از آن، به ترتیب عوامل سخت‌کوشی، نظم کاری، مشتری‌مداری، علاقه به شغل، خوب انجام دادن کار، حمایت‌های خانوادگی، انتخاب درست گروه هدف، تجارب شغلی و نهایتاً مستقل بودن را در موفقیت خویش مؤثر دانسته‌اند (Baycan, Levent, Masurel, Nijkamp 2003).

فنی و فرج زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام «توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری در شهر تهران» نشان دادند که هرچه امتیاز زنان در توانمندی شغلی در مقایسه با زنان با امتیاز کمتر (سطح متوسط و پایین) بیشتر باشد، در فقرزدایی اقتصادی آن‌ها تأثیر بیشتری دارد؛ یعنی نقش اشتغال گروه توانمندتر در فقرزدایی، در مقایسه با دو گروه پایین‌تر (متوسط و پایین)، دارای تفاوت معناداری است (فنی و فرج‌زاده ۱۳۹۳).

نوابخش و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با موضوع «ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان آسیب‌پذیر شهر تهران» به بررسی درک بومی از توانمندی اجتماعی و اقتصادی، عوامل مؤثر بر رشد و موانع آن با دو روش کمی و کیفی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش کیفی نشان می‌دهد که اشتغال، متوازن‌سازی درآمد و هزینه، پس‌انداز و کارآفرینی در تداوم‌بخشی و پایدارسازی توانمندی اقتصادی افراد نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. همچنین، نتایج حاصل از تحقیق کمی نشان می‌دهد که دو عامل آموزش و اشتغال مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی زنان آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند.

جهان‌بین و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و سنجش عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان در محلات فرودست شهری» به تحلیل و بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی پرداختند. این پژوهش برای زنان شهر ایلام انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین توانمندسازی زنان و عوامل اقتصادی چون دسترسی به شغل دارای درآمد، نوع شغل، میزان درآمد، دسترسی به تسهیلات بانکی، تحت پوشش نهاد حمایتی بودن، قدرت پس‌انداز و برخورداری از حق مالکیت قانونی رابطه معناداری وجود دارد. (جهان‌بین، بابایی‌اقدام، روستایی و همکاران ۱۳۹۹).

عباسی (۱۳۹۳) در تحقیق مرتبط با الگوی بازاریابی مکان در تهران، به مطالعه شاخص‌های تأثیرگذار در بازاریابی برندهای اصلی بین‌المللی پرداخته است که به اقدامات اجرایی عظیم دست یافته‌اند. او از روش کمی در این پژوهش بهره برده است. از شاخص‌های شناسایی شده در این تحقیق می‌توان به توسعه پتانسیل‌های درآمدی، توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت بازاریابی در شهر، خلق هویت و چهره برای شهر، تعریف چشم‌انداز و تجزیه و تحلیل استراتژیک، جذب توریست، توسعه بومی، خلق فضاهایی در راستای برگزاری فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، تفریحی، ورزشی و... اشاره کرد (عباسی ۱۳۹۳). با توجه به بررسی مطالعات پیشین می‌توان دریافت که موضوع توانمندسازی با تأکید بر مفهوم کارآفرینی و تمرکز بر موضوع زنان و به‌ویژه

زنان سرپرست خانواده کمتر مورد توجه صاحب‌نظران در زمینه‌های مدیریت و اقتصاد قرار گرفته است. همچنین، بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته گویای این امر است که توجه شایانی به این نگرش از کارآفرینی، آن هم در تأثیرگذاری مستقیم با زنان سرپرست خانوار ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، انجام نشده است و غالب تحقیقات انجام شده در این زمینه صرفاً با مفاهیم اقتصادی مرتبط است یا با جمعیت کلی صورت گرفته است. از این رو، پرداختن به این موضوع از چنین دیدگاهی موجب تفاوت این پژوهش با دیگر تحقیقات صورت گرفته است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی است و از نظر ماهیت نیز رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از اسناد کتابخانه‌ای، پرسشنامه و مطالعات و مشاهدات میدانی بهره گرفته شده است.

در این پژوهش از دو نوع پرسشنامه متخصصان و شهروندان به منظور شناخت محله‌های اروند و انصار با تأکید بر مبحث توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و کارآفرینی استفاده شد. پرسشنامه متخصصان براساس هدف پژوهش به صورت باز و تخصصی تدوین شد و با تعداد ۱۴ نفر از مسئولان و متخصصان شهری شهرداری محدوده مورد مطالعه با تحصیلات لیسانس و بالاتر مطرح شد و دیدگاه‌های این افراد در ارتباط با موضوع تحقیق جمع‌آوری شد. پرسشنامه شهروندان نیز براساس هدف پژوهش حاضر برای بانوان سرپرست خانوار ساکن در محله‌های اروند و انصار تدوین شد.

با توجه به محقق‌ساخته‌بودن پرسشنامه‌ها، روایی و پایایی آن‌ها نیز بررسی و اصلاح شد. در این زمینه، روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا و صوری به تأیید ۱۰ نفر از متخصصان رشته برنامه‌ریزی شهری و همچنین متخصصان شهرداری منطقه ۶ مشهد رسید. همچنین، به منظور سنجش پایایی پرسشنامه مذکور، ابتدا این پرسشنامه از سوی ۳۰ نفر از زنان سرپرست خانوار محله‌های اروند و انصار بررسی شد. بعد از آن، برای اندازه‌گیری آلفای کرونباخ، همه پاسخ‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد و مورد سنجش قرار گرفت. بدین ترتیب، پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۴ مورد تأیید قرار گرفت.

حجم نمونه این پرسشنامه براساس نوع آن، که بانوان سرپرست خانوار در محلات اروند و انصار را شامل می‌شود، تعیین شده است. در این زمینه، به دلیل اینکه دسترسی به همه زنان خانوار امکان‌پذیر نبود، در راستای دستیابی به برخی از عوامل کیفی و توصیفی تحقیق، جهت اندازه‌گیری حجم نمونه با مشکل مواجه شدیم و در نتیجه از روش اشباع استفاده شد. بدین طریق که پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی از افراد پرسیده شده و این کار تا زمانی ادامه یافت که افراد پرسش‌شونده پاسخ یا نظر جدیدی نداشته باشند و پاسخ‌ها تکرار شوند. با استفاده از این

روش، با حجم نمونه ۲۵۰ عدد می‌توان به مرحله اشباع رسید. شایان ذکر است که نزدیک به ۸۰ درصد این پرسشنامه‌ها در محله اروند حاصل شده‌اند.

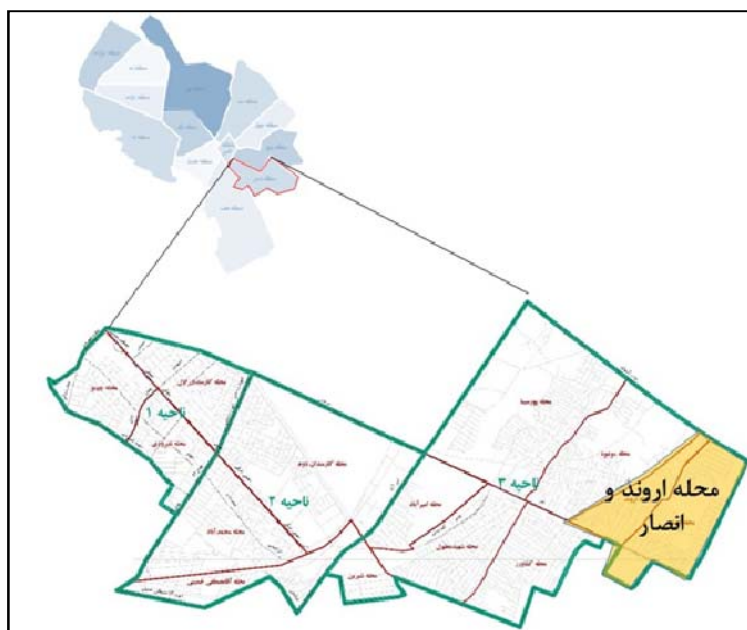
نرم‌افزار SPSS ابزار تحلیل اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش است. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز براساس روش تحلیل استراتژیک صورت گرفته است. این روش یکی از ابزارهای بسیار شایع در ارزیابی گزینه‌های استراتژیک و مشخص نمودن جذابیت نسبی استراتژی‌هاست که در مرحله تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و به انتخاب و اولویت‌بندی استراتژی‌ها می‌پردازد. این ماتریس برای ارزیابی امکان‌پذیری و پایداری راهکارهای پیشنهادی در مواجهه با شرایط محیطی و وضع موجود بوده که با توجه به توانایی مواجهه با شرایط درونی و بیرونی، از لیست استراتژی‌های قابل اولویت‌بندی خارج می‌شود. در این زمینه، ابتدا اطلاعات و یافته‌ها تحقیق را در جدول‌های سوات^۱ (براساس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) جمع‌آوری کردیم و پس از تدوین ماتریس‌های عوامل داخلی و خارجی از آن، به تدوین ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی^۲ و ارائه استراتژی و راهبردهای مرتبط پرداختیم.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محلات انصار و اروند جزئی از ناحیه ۳ منطقه ۶ مشهد و از محلات واقع در شهرک شهید رجایی هستند که از جمله سکونت‌گاه‌های غیررسمی مسئله‌دار این شهر تلقی می‌شوند. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده در سند توسعه محلات سال ۱۳۹۴، مساحت مجموع این دو محله برابر با ۱۲ میلیون و ۲۳۳ هزار و ۷۱ کیلومتر مربع، با جمعیت ۲۳ هزار و ۸۶۷ نفر و متوسط بعد خانوار ۴/۸۳ است (دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات ۱۳۹۴). محله اروند قدمت بیشتری از محله انصار دارد و همچنین بعد خانوار بالاتری نیز از محله انصار دارد. تعداد زنان سرپرست خانوار در محله اروند ۲۵۶۰ بوده که ۸۰ درصد خانوارهای این محله را شامل می‌شود؛ و این در صورتی است که محله انصار تعداد کمتری زنان سرپرست خانوار دارد. در هر دو محله (به ویژه اروند) سطح سواد بین مردان بیشتر از زنان است. این محلات با قدمت بالاتر از ۷۵ سال، دارای مراکز مذهبی مناسبی بوده و ساکنان آن مشارکت اجتماعی نسبتاً مطلوبی دارند. از طرفی فقر مالی و درآمد ناپایدار ساکنان این محلات را جزء اقشار کم‌درآمد قرار می‌دهد. این امر مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانواری را بیشتر کرده، زیرا به‌عنوان یک زن به‌سختی می‌تواند کاری دست‌وپا کنند یا شغلی برگزینند. محله انصار (۸۶/۴) از نظر نرخ اشتغال نسبت بالاتری از محله اروند (۸۰) دارد. ضمن اینکه نسبت نرخ اشتغال زنان به مردان در اروند بیشتر بوده و این موضوع را می‌توان ناشی از میزان نسبت زنان سرپرست خانوار به کل خانوار در این محله

1. SWOT (Strength, Weakness, Opportunity, Threat)
2. QSPM (Quantitative Strategic Planning Matrix)

(۸۰ درصد) دانست (دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات ۱۳۹۴)، همچنین، براساس بررسی‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد بانوان این محلات نظر مساعدی به عضویت در انجمن‌های خاص بانوان، شرکت در فعالیتهای اجتماعی بانوان، ایجاد و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کارآفرینی داشته‌اند.



شکل ۲. موقعیت محلات اروند و انصار در شهر مشهد

یافته‌های تحقیق

به دلیل جامع بودن شناخت در راستای موضوع مورد پژوهش، مسائل و مشکلات، امکانات و محدودیت‌ها در قالب سوات، برگرفته از سه معیار اصلی توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر کارآفرینی (جدول ۱)، مورد سنجش قرار گرفت. در جهت تحلیل استراتژیک، ابتدا ماتریس‌های عوامل داخلی^۱ و خارجی^۲ در هر یک از معیارهای مورد بررسی رتبه‌بندی و وزن‌دهی شد. به صورتی که به هر یک از این عوامل ضریب صفر تا یک (بی‌اهمیت تا اهمیت بالا) و به هر یک از عوامل انتخابی، رتبه‌ای بین یک تا چهار (واکنش ضعیف تا بسیار عالی) داده می‌شود. اعداد متعلق به رتبه بیانگر میزان اثربخشی

1. internal factor evaluation
2. external factor evaluation

راهبردهای کنونی در نشان دادن واکنش به عوامل مزبور است. پس از محاسبه امتیاز نهایی هر عامل، مجموع امتیازهای هر یک از عوامل داخلی و خارجی عددی بین ۱ تا ۴ تعیین می‌شود.

جدول ۱. ماتریس عوامل استراتژیک داخلی و خارجی زیرمعیارهای بهبود سرمایه اجتماعی

امتیاز	رتبه	ضریب	عوامل استراتژیک	
۰.۵۱	۴	۰.۱۳	S1. وجود طرح‌هایی اعم از آموزش، مهارت‌سنجی، ورزشی و... برای بانوان	عوامل استراتژیک داخلی
۰.۴۴	۴	۰.۱۱	S2. برگزاری برخی از انواع کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی بانوان در مسجدهای محلات هدف	
۰.۲۹	۳	۰.۱۰	S3. مشارکت و همبستگی نسبتاً بالا در مسجدهای محوری محلات هدف	
۰.۲۹	۳	۰.۱۰	S4. وجود اعتماد نسبی به هم‌محله‌ای	
۰.۴۴	۴	۰.۱۱	S5. وجود جلسات قرآنی- مذهبی خانگی بانوان	
۰.۱۴	۱	۰.۱۴	W1. پایین بودن سطح سواد زنان نسبت به مردان	
۰.۱۳	۱	۰.۱۳	W2. بی‌کفایتی فضاهای آموزشی در محلات هدف	
۰.۱۹	۲	۰.۱۰	W3. بی‌اعتمادی یا کمبود اعتماد به یکدیگر	
۰.۱۹	۲	۰.۱۰	W4. روابط نامناسب همسایگی و ایجاد مزاحمت‌های همسایگی	
۲.۶۲	-	۱	مجموع عوامل داخلی	
۱.۰۹	۴	۰.۲۷	O1. امکان برگزاری کلاس‌های آموزشی در همه مسجدهای محلات هدف و پتانسیل استفاده از این کلاس‌ها به منظور کارآفرینی	عوامل استراتژیک خارجی
۱.۰۹	۴	۰.۲۷	O2. فرصت استفاده بهینه از مشارکت‌های زنانه و جلسات خانگی به منظور ارتقای آگاهی و بهبود روابط همسایگی مناسب	
۰.۷۳	۳	۰.۲۴	O3. امکان راه‌اندازی فعالیت‌های اجتماعی بانوان و بهره‌گیری از آن به منظور انسجام اجتماعی محله‌ای	
۰.۴۲	۲	۰.۲۱	T1. بی‌اعتمادی به هم‌محله‌ای (اروند)، زمینه‌ساز ناسازگاری و نزاع‌های بیشتر همسایه و به تدریج نداشتن احساس تعلق محله‌ای و بی‌اعتمادی به هم‌نوعان (تمامی جامعه)	
۳.۳۳	-	۱	مجموع عوامل خارجی	

جدول ۲. ماتریس عوامل استراتژیک داخلی و خارجی زیرمعیارهای پویایی اقتصادی

امتیاز	رتبه	ضریب	عوامل استراتژیک	
۰.۴۹	۴	۰.۱۲	S1. برگزاری کلاس‌های کارآفرینی در سطح محلات هدف (توسط شهرداری منطقه)	عوامل استراتژیک داخلی
۰.۴۹	۴	۰.۱۲	S2. استقبال بانوان از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی، کارآفرینی و کارگاهی در محلات هدف	
۰.۴۲	۳	۰.۱۴	S3. برگزاری نمایشگاه دستاوردهای بانوان (بسیار کم)	
۰.۳۱	۴	۰.۰۸	S4. علاقه بسیار بانوان در شرکت کردن در کارگاه‌های آموزشی مهارت نیروی کار	
۰.۳۷	۴	۰.۰۹	S5. علاقه‌مندی زیاد بانوان به توسعه مشاغل خانگی و کارگاه‌های تولیدی	

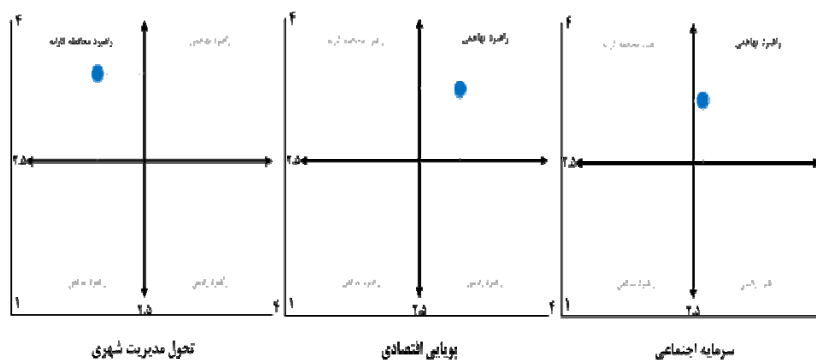
امتیاز	رتبه	ضریب	عوامل استراتژیک	
			بانوان	
۰,۰۹	۱	۰,۰۹	W1. سرپرست خانوار بودن در عین نداشتن شغلی ثابت و درآمدی کافی	عوامل استراتژیک خارجی
۰,۲۵	۲	۰,۱۲	W2. نداشتن تخصص لازم برای بانوان نسبت به حرفه‌ای خاص (بالأخص زنان سرپرست خانوار)	
۰,۲۵	۲	۰,۱۲	W3. ناتوانی تعداد زیادی از بانوان سرپرست خانوار در استفاده از تسهیلات بانکی یا مالی	
۰,۱۱	۱	۰,۱۱	W4. جایگاه دوازدهم منطقه ۶ (از میان ۱۳ منطقه شهری) در میزان اعتبارات عمرانی تخصیص داده شده شهر مشهد	
۲,۷۷	-	۱	مجموع عوامل داخلی	
۰,۵۴	۳	۰,۱۸	O1. امکان ایجاد و توسعه بازارچه‌های محلی در سطح شهر مشهد، با اولویت واگذاری به بانوان سرپرست خانوار	
۰,۷۲	۴	۰,۱۸	O2. امکان برگزاری نمایشگاه‌های کارآفرینی و فروش محصولات و دستاوردهای آن‌ها	
۰,۷۲	۴	۰,۱۸	O3. آموزش زنان سرپرست خانوار و معرفی آن‌ها به بنگاه‌های تولیدی	
۰,۵۴	۳	۰,۱۸	O4. حمایت شهرداری و سازمان‌های محلی از بانوان جهت راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی	
۰,۳۰	۳	۰,۱۰	O5. منعطف کردن سیستم مالیاتی و بیمه‌ای	
۰,۱۸	۱	۰,۱۸	T1. تداوم عدم توان مالی بانوان سرپرست خانوار، زمینه‌ساز گرایش آن‌ها به ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی	
۳	-	۱	مجموع عوامل خارجی	

جدول ۳. ماتریس عوامل استراتژیک داخلی و خارجی زیرمعیارهای تحول مدیریت شهری

امتیاز	رتبه	ضریب	عوامل استراتژیک	
۰,۲۹	۳	۰,۱۰	S1. علاقه شدید بانوان به دوره‌های آشنایی با حرفه و مشاغل مرتبط و قابل انجام‌دادن برای زنان	عوامل استراتژیک داخلی
۰,۶۲	۴	۰,۱۵	S2. وجود شوراهای اجتماعی فعال در سطح محلات هدف	
۰,۴۰	۳	۰,۱۳	S3. وجود مرکز مشاوره فعال در محله (انصار)	
۰,۱۵	۱	۰,۱۵	W1. ناآگاهی بانوان از قوانین و مقررات مرتبط با شغل و حرفه مورد نظرشان	
۰,۱۷	۱	۰,۱۷	W2. نسبت بالای زنان سرپرست خانوار (اروند)	
۰,۱۷	۱	۰,۱۷	W3. عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در منطقه به دلیل پایین بودن سطح مالی ساکنان	
۰,۲۳	۲	۰,۱۲	W4. وضعیت ساکنان محله به‌عنوان اقشار کم‌درآمد و محروم	
۲,۰۴	-	۱	مجموع عوامل داخلی	

امتیاز	رتبه	ضریب	عوامل استراتژیک	عوامل استراتژیک خارجی
۰,۳۴	۳	۰,۱۱	O1. امکان برگزاری دوره‌های آشنایی بانوان با مباحث مدیریتی و استفاده از آن‌ها در این امر و زمینه‌سازی افزایش اعتماد به نفس بانوان	
۰,۳۹	۳	۰,۱۳	O2. آموزش شناخت و تسلط زنان کارآفرین بر قوانین و مقررات مرتبط با حرفه	
۰,۵۸	۴	۰,۱۵	O3. امکان استفاده از فعالیت‌های بالای مردمی در شوراهای اجتماعی و پایگاه‌های بسیج محلات در جهت توانمندسازی کارآفرینی در محلات هدف	
۰,۵۸	۴	۰,۱۵	O4. وجود دفتر تسهیل‌گری محلات ارونند و انصار و فراهم‌آورنده بهبود کیفیت زیست در محلات هدف	
۰,۴۵	۴	۰,۱۱	O5. استفاده از بانوان مؤثر و بانفوذ محله در راستای بهبود سطح آگاهی ساکنان محله، شرایط فیزیکی و محافظان محله	
۰,۵۲	۴	۰,۱۳	O6. تشویق و جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در کنار بخش دولتی، به‌واسطه واگذاری تسهیلات و بخشودگی‌های مالیاتی و...	
۰,۱۹	۲	۰,۱۰	T1. عدم همکاری بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و عدم هماهنگی با بخش دولتی در محلات هدف، زمینه‌ساز تقلیل بیشتر کیفیت زیست ساکنان	
۰,۱۳	۱	۰,۱۳	T2. بی‌توجهی ویژه به زنان سرپرست خانوار، زمینه‌ساز ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی	
۳,۱۸	-	۱	مجموع عوامل خارجی	

پس از آن براساس همه عوامل خارجی و داخلی (جدول سوات)، راهبردهای مناسب و مرتبط با موضوع تحقیق برای محلات هدف تدوین شد. شکل ۳ جایگاه هر یک از معیارهای سه‌گانه را در نمودار راهبردها نشان می‌دهد. عوامل داخلی بر محور X ها و عوامل خارجی بر Yها قرار می‌گیرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود:



شکل ۳. راهبردهای چهارگانه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در سکونت‌گاه‌های غیررسمی

- راهبرد معیار سرمایه اجتماعی، راهبردهای تهاجمی هستند که راهبردهایی حداکثر - حداکثری است و راه حل آن نیز کنشگر است. البته کمی به سمت راهبردهای انطباقی و حداقل - حداکثری سوق یافته است.
- راهبرد معیار پویای اقتصادی، راهبردی کاملاً تهاجمی است و باید از حداکثر نقاط قوت و حداکثر نقاط فرصت محلات هدف استفاده کرد و گاهی به راهبردهای محافظه کارانه و انطباقی و اقتضایی نیز توجه کرد.
- راهبرد معیار تحول مدیریت شهری، راهبردی انطباقی است که باید محافظه کارانه عمل کرد؛ به طوری که باید با کاستن از ضعف‌ها، به سمت حداکثر استفاده از فرصت‌های موجود پیش رفت.

استراتژی‌های قابل قبول برای هر معیار به قرار جدول ۴ است. به صورتی که برای معیار بهبود سرمایه اجتماعی شش استراتژی با تأکید بر راهبردهای تهاجمی و انطباقی، برای معیار پویایی اقتصادی پنج استراتژی با تأکید بر راهبرد تهاجمی و برای معیار تحول مدیریت شهری و نیز پنج استراتژی با تأکید بیشتر بر راهبرد انطباقی - محافظه کارانه انتخاب شده که مجموعاً شامل شانزده استراتژی است.

جدول ۴. استراتژی‌های انتخاب شده

ابعاد	استراتژی‌های انتخاب شده	رده
سرمایه اجتماعی	SO1. توسعه طرح‌های آموزشی - کارآفرینی زنان	۱
	SO2. پرورش ایده‌های خلاق و نوآورانه	۲
	SO3. ایجاد شبکه‌های اجتماعی بانوان	۳
	SO4. ارتقای انسجام اجتماعی محله‌ای	۴
	WO1. تقویت مهارت نیروی کار زنان	۵
	WO2. تقویت اعتماد به نفس در زنان	۶
پویایی اقتصادی	SO1. ایجاد و حمایت از کارگاه‌های تولیدی	۱
	SO2. ایجاد نمایشگاه‌های دستاورد کارآفرینی زنان	۲
	SO3. حمایت از تولیدات و بازارهای خانگی	۳
	WO1. توسعه و گسترش کارگاه‌های کسب و کار زنان	۴
	ST1. حمایت و ظرفیت‌سازی برای حضور زنان در عرصه‌های شهری	۵
تحول مدیریت شهری	WO1. ارتقای آگاهی زنان نسبت به کارآفرینی	۱
	WO2. بهبود همکاری و ایجاد هماهنگی بین‌بخشی و سازمانی	۲
	SO3. ایجاد سازمان‌های زنانه مدیریتی - محلی	۳
	WT1. جذب سرمایه‌گذار و ارائه تسهیلات مالیاتی	۴
	ST1. حمایت از خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار	۵

در مرحله پایانی، اولویت‌بندی از میان مجموع استراتژی‌های انتخاب شده صورت می‌گیرد که تکمیل‌کننده نهایی مدل ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی است. بدین ترتیب، در ستون اول، عوامل درونی و بیرونی، در ستون دوم، ضریب اهمیت هر یک از این عوامل با توجه به مرحله اول و در ستون سوم نیز استراتژی‌هایی که تعداد زیرمجموعه آن بسته به تعداد استراتژی‌های هر یک از معیارها متفاوت است قرار می‌گیرند. در زیرمجموعه استراتژی‌ها، دو ستون «جذابیت» و «جمع» (ضرب جذابیت هر استراتژی در ضریب اهمیت کلی آن عامل) است. اساس نمره جذابیت، عددی بین ۱ تا ۴ است که به معنای طیفی از جذابیت کم تا جذابیت زیاد است.

جدول ۵. ماتریس برنامه‌ریزی کمی در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک معیار بهبود سرمایه اجتماعی

عوامل درونی و بیرونی	نمره	استراتژی‌ها											
		استراتژی ۱		استراتژی ۲		استراتژی ۳		استراتژی ۴		استراتژی ۵		استراتژی ۶	
		جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت
توسعه	S1	۰.۱۳	۴	۰.۵۲	۴	۰.۳۹	۳	۰.۲۶	۲	۰.۵۲	۴	۰.۳۹	۳
	S2	۰.۱۱	۴	۰.۴۴	۴	۰.۴۴	۴	۰.۲۲	۲	۰.۴۴	۴	۰.۴۴	۴
	S3	۰.۱۰	۲	۰.۲	۳	۰.۴	۴	۰.۲	۲	۰.۴	۳	۰.۲	۳
	S4	۰.۱۰	۲	۰.۲	۱	۰.۳	۳	۰.۴	۴	۰.۱	۱	۰.۴	۴
	S5	۰.۱۱	۱	۰.۱۱	۲	۰.۲۲	۴	۰.۴۴	۴	۰.۱۱	۱	۰.۲۲	۲
وقف	W1	۰.۱۴	۳	۰.۴۲	۳	۰.۱۴	۱	۰.۱۴	۱	۰.۵۶	۴	۰.۵۶	۴
	W2	۰.۱۳	۱	۰.۱۳	۱	۰.۱۳	۱	۰.۲۶	۲	۰.۱۳	۱	۰.۱۳	۱
	W3	۰.۱۰	۱	۰.۱	۱	۰.۳	۳	۰.۴	۴	۰.۱	۱	۰.۴	۴
	W4	۰.۱۰	۱	۰.۱	۱	۰.۳	۳	۰.۴	۴	۰.۱	۱	۰.۲	۲
توسعه	O1	۰.۲۷	۴	۱.۰۸	۴	۰.۸۱	۳	۰.۸۱	۳	۱.۰۸	۴	۱.۰۸	۴
	O2	۰.۲۷	۱	۰.۲۷	۲	۰.۵۴	۴	۱.۰۸	۴	۰.۵۴	۲	۰.۵۴	۲
	O3	۰.۲۴	۲	□□□□	۳	۰.۹۶	۴	۰.۹۶	۴	۰.۴۸	۲	۰.۹۶	۴
توسعه	T1	۰.۲۱	۱	□□□□	۱	۰.۲۱	۲	۰.۴۲	۴	۰.۲۱	۱	۰.۴۲	۲
جمع	۲	۴.۲۶	۴.۸۸	۶.۱۱	۶.۴۸	۶.۰۴	۴.۷	۶.۰۴	۶.۰۴	۶.۰۴	۶.۰۴	۶.۰۴	

جدول ۶. ماتریس برنامه‌ریزی کمی در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک معیار پویایی اقتصادی

عوامل درونی و بیرونی	مهرین	استراتژی‌ها											
		استراتژی ۱		استراتژی ۲		استراتژی ۳		استراتژی ۴		استراتژی ۵			
		جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت	جمع	جذابیت		
توسعه	S1	۰٫۱۲	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۳۶	۳
	S2	۰٫۱۲	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۳۶	۳
	S3	۰٫۱۴	۲	۰٫۲۸	۴	۰٫۵۶	۴	۰٫۵۶	۴	۰٫۴۲	۳	۰٫۲۸	۲
	S4	۰٫۰۸	۳	۰٫۲۴	۳	۰٫۲۴	۳	۰٫۲۴	۳	۰٫۳۲	۴	۰٫۲۴	۳
	S5	۰٫۰۹	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۲
توسعه	W1	۰٫۰۹	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۴	۰٫۳۶	۲
	W2	۰٫۱۲	۳	۰٫۳۶	۳	۰٫۳۶	۳	۰٫۳۶	۳	۰٫۳۶	۳	۰٫۳۶	۱
	W3	۰٫۱۲	۲	۰٫۲۴	۴	۰٫۴۸	۱	۰٫۱۲	۲	۰٫۲۴	۲	۰٫۲۴	۱
	W4	۰٫۱۱	۳	۰٫۳۳	۱	۰٫۱۱	۱	۰٫۱۱	۱	۰٫۳۳	۳	۰٫۳۳	۱
توسعه	O1	۰٫۱۸	۱	۰٫۱۸	۳	۰٫۵۴	۴	۰٫۷۲	۱	۰٫۱۸	۱	۰٫۱۸	۲
	O2	۰٫۱۸	۱	۰٫۱۸	۴	۰٫۷۲	۳	۰٫۵۴	۳	۰٫۵۴	۳	۰٫۳۶	۲
	O3	۰٫۱۸	۴	۰٫۷۲	۱	۰٫۱۸	۱	۰٫۱۸	۱	۰٫۷۲	۴	۰٫۱۸	۱
	O4	۰٫۱۸	۴	۰٫۷۲	۲	۰٫۳۶	۲	۰٫۳۶	۲	۰٫۷۲	۴	۰٫۳۶	۲
	O5	۰٫۱۰	۲	۰٫۲	۱	۰٫۱	۱	۰٫۱	۱	۰٫۳	۳	۰٫۱	۱
توسعه	T1	۰٫۱۸	۳	۰٫۵۴	۳	۰٫۵۴	۴	۰٫۷۲	۴	۰٫۷۲	۴	۰٫۳۶	۲
جمع	۲	۵۱۹	۵۳۹	۵۶۹	۶۶۵	۳۶۷							

جدول ۷. ماتریس برنامه‌ریزی کمی در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک معیار تحول مدیریت شهری

عوامل درونی و بیرونی	مجموع	استراتژی‌ها									
		استراتژی ۱		استراتژی ۲		استراتژی ۳		استراتژی ۴		استراتژی ۵	
		جذابیت	مجموع	جذابیت	مجموع	جذابیت	مجموع	جذابیت	مجموع	جذابیت	مجموع
قوت	S1	۰.۱۰	۴	۰.۱	۱	۰.۳	۳	۰.۴	۴	۰.۴	۴
	S2	۰.۱۵	۱	۰.۶	۴	۰.۶	۴	۰.۳	۲	۰.۶	۴
	S3	۰.۱۳	۲	۰.۵۲	۴	۰.۵۲	۴	۰.۱۳	۱	۰.۵۲	۴
ضعف	W1	۰.۱۵	۴	۰.۳	۲	۰.۴۵	۳	۰.۳	۲	۰.۳	۲
	W2	۰.۱۷	۴	۰.۶۸	۲	۰.۳۴	۳	۰.۶۸	۴	۰.۶۸	۴
	W3	۰.۱۷	۳	۰.۶۸	۴	۰.۳۴	۲	۰.۶۸	۴	۰.۱۷	۱
	W4	۰.۱۲	۴	۰.۴۸	۲	۰.۲۴	۳	۰.۴۸	۴	۰.۴۸	۴
فرصت	O1	۰.۱۱	۳	۰.۳۳	۱	۰.۴۴	۴	۰.۳۳	۳	۰.۳۳	۲
	O2	۰.۱۳	۴	۰.۵۲	۲	۰.۲۶	۳	۰.۳۹	۳	۰.۳۹	۴
	O3	۰.۱۵	۲	۰.۳	۳	۰.۴۵	۴	۰.۶	۴	۰.۴۵	۳
	O4	۰.۱۵	۲	۰.۳	۴	۰.۶	۲	۰.۳	۴	۰.۴۵	۳
	O5	۰.۱۱	۲	۰.۲۲	۲	۰.۲۲	۴	۰.۲۲	۲	۰.۳۳	۳
	O6	۰.۱۳	۱	۰.۱۳	۴	۰.۵۲	۲	۰.۲۶	۴	۰.۵۲	۱
تهدید	T1	۰.۱۰	۱	۰.۱	۴	۰.۴	۱	۰.۴	۴	۰.۱	۱
	T2	۰.۱۳	۴	۰.۵۲	۱	۰.۱۳	۲	۰.۲۶	۲	۰.۵۲	۴
جمع		۲	۵.۵	۵.۴۷	۵.۸۷	۶.۲۹	۶.۱۷				

پس از محاسبه جذابیت هر استراتژی براساس هر عامل درونی و بیرونی آن، با قراردادن مجموع نمره جذابیت‌های همه استراتژی‌ها در جدول ۹، ترتیب اولویت‌های استراتژی‌ها روشن خواهد شد.

جدول ۸. اولویت‌بندی استراتژی‌های انتخاب‌شده در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار

رده	استراتژی‌های انتخاب‌شده	نمره جذابیت	اولویت
۴	WO1. توسعه و گسترش کارگاه‌های کسب‌وکار زنان	۶,۶۵	۱
۴	SO4. ارتقای انسجام اجتماعی محله‌ای	۶,۴۸	۲
۴	WT1. جذب سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات مالیاتی	۶,۲۹	۳
۵	ST1. حمایت از خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار	۶,۱۷	۴
۳	SO3. ایجاد شبکه‌های اجتماعی بانوان	۶,۱۱	۵
۶	WO2. تقویت اعتمادبه‌نفس در زنان	۶,۰۴	۶
۳	SO3. ایجاد سازمان‌های زنانه مدیریتی- محلی	۵,۸۷	۷
۳	SO3. حمایت از تولیدات و بازارهای خانگی	۵,۶۹	۸
۱	WO1. ارتقای آگاهی زنان از کارآفرینی	۵,۵	۹
۲	WO2. بهبود همکاری و ایجاد هماهنگی بین‌بخشی و سازمانی	۵,۴۷	۱۰
۲	SO2. ایجاد نمایشگاه‌های دستاورد کارآفرینی زنان	۵,۳۹	۱۱
۱	SO1. ایجاد و حمایت از کارگاه‌های تولیدی	۵,۱۹	۱۲
۲	SO2. پرورش ایده‌های خلاق و نوآورانه	۴,۸۸	۱۳
۵	WO1. تقویت مهارت نیروی کار زنان	۴,۷	۱۴
۱	SO1. توسعه طرح‌های آموزشی- کارآفرینی زنان	۴,۲۶	۱۵
۵	ST1. حمایت و ظرفیت‌سازی برای حضور زنان در عرصه‌های شهری	۳,۶۷	۱۶

نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی هم‌ناجی آنان در شرایط کنونی است هم‌زمینه‌ساز مشارکت آتی آن‌ها برای ساماندهی این نوع از سکونت‌گاه‌هاست (خالوباقری و قریشی ۱۳۹۰). کلانشهر مشهد از شهرهایی است که با چالش‌های متنوع ناشی از اسکان غیررسمی روبه‌روست. از جمله بافت‌ها و سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مسئله‌دار در شهر مشهد می‌توان به شهرک شهید رجایی واقع در ورودی شرقی شهر اشاره کرد. در این پهنه ۸۳/۲ درصد سرپرستان خانوار را مردان و ۱۶/۸ درصد از سرپرستان خانوار را زنان تشکیل می‌دهند؛ که درصد درخور توجهی را شامل می‌شوند. همچنین، با توجه به متوسط بعد خانوار در این محله، که ۴/۸۳ نفر است، می‌توان بیان کرد که زنان در این محله عهده‌دار سرپرستی بیش از ۸ هزار نفر هستند. نتایج حاصل از بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که فقط ۱۸/۹ درصد از اهالی شهرک رجایی در دوره‌های فنی و حرفه‌ای آموزش دیده‌اند و در حرفه خاصی مهارت دارند و بیش از ۸۱/۱ درصد از سرپرستان خانوار در شهرک رجایی (به‌ویژه زنان سرپرست خانوار) نیز عنوان کرده‌اند که در چنین دوره‌هایی شرکت نکرده‌اند که می‌توان نتیجه گرفت درصد بالایی از این افراد فاقد مهارت حرفه‌ای و تخصصی بوده و تنها توانایی اشتغال به کار در مشاغل ساده و

کارگری را دارند و می‌توان یکی از دلایل مهم پایین‌بودن سطح توان اقتصادی خانوارهای ساکن در محله را ناشی از همین مسئله دانست.

در این پژوهش، با درک وضعیت فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار در محدوده مورد مطالعه و جامعه محلی آن‌ها با رویکرد کارآفرینی و تمرکز بر قوت‌ها، ضعف‌ها و فرصت‌ها و تهدیدهای موجود، در سه راهبرد کلان «بهبود سرمایه اجتماعی»، «پویایی اقتصادی» و «تحول مدیریت شهری» در نهایت شانزده استراتژی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تدوین و اولویت‌بندی شد.

این پژوهش با اتکا به عوامل چهارگانه تحلیل سوات (SWOT) مهم‌ترین و مؤثرترین راهبرد را استراتژی «توسعه و گسترش کارگاه‌های کسب و کار زنان» شناسایی کرد. از سوی دیگر، این پژوهش نشان داد «ارتقای انسجام اجتماعی محله‌ای» به‌عنوان دومین راهبرد مؤثر در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق اجرای برخی سیاست‌ها همچون برگزاری و تقویت جشنواره‌های متنوع ملی (نظیر انقلاب و همبستگی ملت)، فرهنگی (با تأکید بر تحکیم خانواده و جایگاه زن) و مذهبی (مبتنی بر نگرش اسلامی و کرامت انسانی زن) بسترهای اجتماعی و فرهنگی توانمندسازی بانوان را فراهم کرد.

همچنین، این پژوهش نشان داد استراتژی «جذب سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات مالیاتی» به‌عنوان سومین راهبرد مهم توانمندسازی با در پیش گرفتن سیاست‌هایی چون تقویت و حمایت از شرکت‌های خصوصی پشتیبان توسعه کارآفرینی در مناطق محروم از طریق همایش‌های نوآوری و کارآفرین‌مبنا جهت جذب سرمایه‌گذار، ایجاد تسهیلاتی نظیر بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست و ارائه خرده‌وام‌هایی به زنان سرپرست خانوار توسط سازمان‌هایی نظیر بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و... می‌تواند گامی مؤثر در راستای بهبود شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار این محلات و به تبع آن توانمندساختن و کارآفرین کردن آن‌ها باشد.

منابع

- آتشین‌صدف، عبدالرضا (۱۳۹۴). «پرونده ویژه: حاشیه‌نشینی»، *مجله پایش سبک زندگی*، س ۲، ش ۱۱، ص ۴۹-۱.
- امیری، مجتبی؛ کمالی، عباس (۱۳۹۰). «پالش‌های اقتصادی و اجتماعی اسکان غیررسمی برای مدیریت شهری (مطالعه موردی: بندرعباس)»، *فصلنامه هفت‌شهر*، س ۳، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۷۳-۵۷.
- جهان‌بین، رضا؛ بابایی‌اقدام، فریدون؛ روستایی، شهریور؛ اصغری زمانی، اکبر (۱۳۹۹). «تحلیل و سنجش عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان در محلات فرودست شهری (مطالعه موردی: سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ایلام)»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، س ۱، ش ۵۲، ص ۳۰۳-۳۲۱.

خالوباقری، مهدیه؛ قریشی، محمد شایا (۱۳۹۰). «نابرابری اقتصادی و شکل‌گیری و رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شهر با تأکید بر ایران»، اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد. دبیرخانه شوراهای اجتماعی محلات (۱۳۹۴). سند ارتقا و تعالی محله انصار و اروند (منطقه ۶. ناحیه ۳) (طرح مطالعاتی انصار و اروند).

ستاری‌وند، ملیحه (۱۳۹۹). «توانمندسازی کارآفرین مبنا در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار (نمونه موردی: شهرک شهید رجایی مشهد)»، پایان‌نامه ارشد، رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد. سرگلزایی جوان، طیبه؛ هادیانی، زهره (۱۳۹۵). «امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۶، ش ۶۳، ص ۱۸۵-۲۱۳.

سلامی، فرزانه؛ امیری، نگین (۱۳۹۵). شرحی بر اصول و قواعد رویکرد بهسازی شهرنگر سکونت‌گاه‌های غیررسمی و تحلیل اهمیت و جایگاه سیاست خیابان‌مداری در آن، چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. صالحی امیری، سیدرضا؛ خدائی، زهرا (۱۳۹۰). حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، چالش‌ها و پیامدها، تهران: ققنوس.

صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۰). «کارآفرینی: ضداشتغال، موتور توسعه اقتصادی»، ماهنامه تدبیر، ش ۱۱۴، ص ۱۸-۲۴.

عباسی، رقیه (۱۳۹۳). «الگوی بازاریابی مکان در پروژه‌های بزرگ شهری؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران. غلامی، روح‌الله؛ سیفی کفشگری، محسن؛ شهبازی، نجفعلی (۱۳۹۲). «عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران (مطالعه موردی کلانشهر تهران)»، نشریه آفاق امنیت، س ۶، ش ۲۰، ص ۱۶۷-۱۸۶.

فرج‌پور، مریم؛ دودانگی، علیرضا؛ سلطانزاده، حسین (۱۳۹۴). «احیا و ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری در راستای توانمندسازی زنان شهروند، موردپژوهی: اقدامات شهرداری تهران»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۳۹، ص ۱۰۹-۱۳۴.

فلاح حقیقی، نگین (۱۳۹۴). «میکروکارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی: چالش‌های پیش رو»، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، س ۲، ش ۱، ص ۱۲۵-۱۴۵.

فنی، زهره؛ فرج‌زاده، مژگان (۱۳۹۳). «توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: زنان شاغل منطقه ۱۸ شهر تهران)»، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، س ۱، ش ۱، ص ۹۱-۱۰۲.

قدیر، محسن (۱۳۸۰). اشتغال زن از منظر غرب و اسلام، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

Baycan Levent, T, Masurel, E, & Nijkamp, P (2003). "Diversity in entrepreneurship: ethnic and female roles in urban economic life", *International journal of social economics*, 30(11), PP 1131-1161.

- Biddulph, M. (2011). "Urban design, regeneration and the entrepreneurial city", *Progress in Planning*, 76(2), PP 63-103.
- Bosma, N, & Sternberg, R (2014). "Entrepreneurship as an urban event? Empirical evidence from European cities", *Regional Studies*, 48(6), PP 1016-1033.
- Burgess, Rod; Carmona, Marisa, Kolstee, Theo (1997b). *The Challenge of Sustainable Cities: Neoliberalism and Urban Strategies in Developing Countries*, Zed Books Ltd.
- Cunningham, J.B. & Lischeron, J. (1991). "Defining entrepreneurship", *Journal of small business management*, 29(1), PP 45-61.
- Jones, S. R. (2007). "Supporting urban entrepreneurs: Law, policy, and the role of lawyers in small business development", *Western New England Law Review.*, vol 30, issue 1. PP 71-91.
- Lee, Y. S. (2016). "Entrepreneurship, small businesses and economic growth in cities", *Journal of Economic Geography*, lbw021.
- Sager, T. (2011). "Neo-liberal urban planning policies: A literature survey 1990–2010", *Progress in planning*, 76(4), PP 147-199.
- Sriram, V., Mersha, T., & Herron, L. (2007). "Drivers of urban entrepreneurship: An integrative model", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 13(4), PP 235-251.
- Thompson, D. (2012). "L3CS: An Innovative Choice for Urban Entrepreneurs and Urban Revitalization", *Symposium Articles, American University Business Law Review*, Vol. 2, Issue 1 (2012), PP 115-152.
- Timmons, J A, & Bygrave, W D. (1986). "Venturecapitals role in financing", *Journal of Business Venturing*, 1(2), PP 161-176.